

آنها که از زبان و فرهنگ خود

فرار می کنند

جاسه بی دین و فایز از شور و شوق ملت چگونه می تواند استقلال و شخصیت خود را حفظ کند ؟ !

برای اینکه فرزندان ما به ملت و قومیت خود علاقه و باورانی بودن متفخر و مایه باشد باید قبل از هر چیز به زبان و فرهنگ و ادب افتخار آمیز و شایع غرور انگیز و پشیمان عمقا آشنا و بر آن مسلط باشد .

استخوان بندی حیات و بقا و استقلال یک ملت شور و شوق و علاقه فرزندان آن ملت به زبان و معتقدات و آداب و رسوم و دستهای تاریخی است که مجموعه آنرا فرهنگ ملی می نامند .

حالب اینکه امروز در نتیجه تسلط قدرت صنعتی و سیاسی و اقتصادی آمریکا دانشمندان پادسی زبان ایرانی در جشن بزرگداشت ملای روم « جلال الدین بلخی » خطابه های خود را به زبان انگلیسی ایراد میکنند ! خطیب ایرانی است ، موضوع

شاید گرفتار مسئله ای بدیهی که در ذهن پادشاهت محتاج استقلال باشد نشماید تا بداند که در این نوشته چگونه مشکل است .

بدیهی تر از این چیست که بقا و پستی و استواری این است که افراد آن ملت زبان و فرهنگ و تاریخ خود را بشناسند و فرزندان نو آموز خود بیاد داشته باشند و علم

بدیهی تر از این چیست که برای ترقی و تعالی ملت ایران میتوان از آمریکا و اروپا و ژاپن و سایر کارخانه خوب آهن و آلومینیم سازی وارد کرد ولی هرگز نمی توانید تاریخ و ادب فرهنگ پادسی وارد کنید ؟ برای دانشگاههایی که تأسیس می کنید می توانید استاد و محقق و دکتر و پروفسور بیاورید ولی هرگز نمیتوان شاگرد و محصل ایرانی و علاقه مند به ملت و قومیت ایرانی از خارج وارد کرد !

کثیرا سی، تعظیم و تجلیل شخصیت فوق العاده بزرگ مولوی صاحب مشهور و دیوان شمس است ، مستمعین هم ایرانید شایند چندان معدود دانشمندان شرق شناس فرنگی که آنها هم طبعاً به زبان و ادب فارسی آشنا و بلکه مسلطند حضور داشتند، ولی مغیر اطلاعات در گزارشی این جلسه با ابراز تعجب می- نویسد: **خطابهها بد زبان انگلیسی ایراد شد!** و قضا اشعار مولانا را با فارسی میخواندند!

اسامی پستخانه تهران که تاریخ رسید با کت از دست و اصفهان و شیراز به تهران از آن زمان میدهد مطلقاً تاریخ فارسی ندارد و با اعداد لاتین و مساه های ژانویه و فوریه و اوت و سال ۷۳ و ۷۴ میلادی و زود ساعت رسید با کت را مشخص میکند، نویسنده نامه و فرستنده با کت ایرانی است گرفته هم من و شما هستیم اما بهر بلاستیکی ساعت ۱۳-۱۴ روز VI ماه XI سال 71 را نشان می دهد!

گر هدف آنگاه کردن گیرنده از تاریخ وصول است بسیاری از گیرندگان که نه لاتین میدانند نه ماه و سال فرنگی، از این گذشته تفاوت ملتی که زبان و فرهنگ چند هزار ساله دارند با سبک سبام پوست ساحل عاج و نمچر به چیست؟ از یکی از خطهای اصفهان کتابچه چند ورگی در نویسی صحیحانه ددسترس همانان است اکثر این سافریین هم ایرانی اند. در یک صفحه وصف صحیحانه (نگلیسی، آمریکائی و کنشیمتال) و در صفحه مقابل قیمت های غوغا دلانه ، واجحاف آمیز پندیده میشود و در صفحه سوم مهبان را هدایت میکند که برای صرف صحیحانه با «سرویس روم»

تمام بگیرد تا سر و شوید! تمام این لغات با خط فارسی نوشته شده .

نویسنده کتابچه و صاحب هتل چنان مرغوب و مجذوب قدرت و عظمت فرنگی خاصه و رنگی انگلیسی زبان است و چنان از قومیت و ملیت و زبان و فرهنگ ملی خود بی خبر و بدانی اغنا است که تصور میکند استعمال کلمات روم و سرو و لو با الفبای فارسی از طرفی ارجحیت و مرتبت هتل او چیزی میافزاید و از طرفی دیگر مشتریان رسولدار آمریکائی را بیشتر جلب می کند ؟

تاسان گذشته در اطلاعات هوایی، چیزی دیدم که یکی از استادان ایرانی گفته بود در جلسه «مجلس تاریخ ادبیات فارسی» در دانشگاه پارس ریخ انگلیسیان اکثر دانشجویان ایرانی «ناصر خسری» حکیم و شاعر معروف ایران را نمی شناختند و آن آثار او چیزی نمی دانستند.

چندی قبل به ایستگاهی پرمردهای فاش کرده حقوق تهران رفتمی و دیدم که یک کرم رسیدم به حیل و تدبیر معنائی گوشه این جوان پرمدا و بیسواد و معتابه را نوشت: «متاهه و از من بپرسید که متاهه چه معنای است فارسی است یا ترکی ؟ و چرا از سبک معنی می دهد ؟

روز پنجم دیماه (روز کریسمس) گذشته در ایروان یا ایسوان ضمن اعلام برنامه گفت: هشت آهنگ مربوط به کریسمس را خواهد شنید از قبیل **مری کریسمس ، سایلمت نایت ، جینگل بلز** و ...

اگر روز بعد بود در ایستگاه ایروان ایروان مغرب زمین نظیر لندن ، «هامبورگ» که چندین هزار ایرانی سکونت دارند يك آهنگ فارسی مربوط به عيد ملی ما را برآورد آهنگ کریسمس نواختن ماهم ناشی از ضعف ملیت و بی خبری از قومیتان است.

هر خیابانی را نگاه کنید از ده تا نود هشتای آن خارجی و مخصوصاً انگلیسی است «**هات شداپ»** و «**موناکو»** و «**پیکادلی»** جزو اسامی است که از سی دهمه یک پا ایرانی شده، در خطبه خاندان ترین خیابان های تهران یعنی قسمت شرقی بود در جمهوری یعنی آن قسمتی که شرق خیابان سرویس قمر از اردو معانی را برای فروش به نمایش گذاشته تا بوی شط بالائی - «**اکس هسین آوشسکا کو»!** بالای آن نصب کرده مشتری آن خیابان و آن روح ارضی ، فارسی هم بر حمت می داند معنی او صفت مرغوب و مجذوب شدن در مقابل عظمت فرنگی و مان را به روح خود و ضعف ملیت و قومیت این مرد بیوزار و ادا داشته چنین تا بوی بالائی و که خود نصب کند

نگاه صاحب مغازه است زیرا می بیند مغز و پول مردم را میگرداند و آنچه را که سود را به دسترسه «**گامبو نیتی»** میگذاردند.

چند سال چهار دهه از تومان آشنا من برای کودکان الفبای انگلیسی بیاموزد و یک سال بعد ماهی و مینجی است که فرزندش انگلیسی حرف میزند. فارسی هم که زبان مادری او است همین اندازه کافی است. ناسف اینجاست که امریکائی ها برای فرزند ان

خود مدرسه ای خاص دارند و این کودکان ایرانی به آنها راه ندارند مدرسه کامیونی جایی است که بچه های «لیپینی» و «سپانی» و «ژاپنی» «ولیت های مختلف آسیائی و آفریقائی» را می پذیرند.

در این گونه مدارس و با این شدت محوشدن در تمدن غربی جانی برای آفتاب و سن قومی در مغرب روح و فکر و آموزدانی که لسل آید و اول تشکیل می- دهد باقی میماند ؟

این بو آموزان از این ، من سره و واسولی دور از سر ارض، نوشته ای بر می گیرند ؟ بزرگان دین و وطنشان را آنگونه که باید شناخت می شناسند ؟ با افرادی که باین وسرهنگ و زبان و ادب ملی و قومی خود بیگانه و نا آشنا شده چه میدی در حفظ استقلال و وطنش می توان داشت ؟ جامعه انسانی در وقار و از شوهر و شوکی ملت چگونه می تواند استقلال و شخصیت خود را حفظ کند ؟

تاریخ استعمار الجزایر و از ده این مردم میباید که با یاد کردن يك میلیون نفر شوید حافظت کواست ارتش پاسند هزار نفری استعمار فراسه را به تازی در آورد، بسیار آموزنده است .

استعمار الجزایر از ۱۸۳۰ شروع شد ، «مصطفی الاشراف» در «ماله اولاند» که در مرحله «زمنان نو» که به مدبریت پیوست معروف فرانسوی «ژان پل سادتر» منتشر می شود می نویسد :

در ۱۸۸۷ یعنی ۵۷ سال پس از شروع تسلط استعمار بر الجزایر طبقه روشنگر «کنستانتین» شهر عمده طبقه متوسطه ۳۸

این ماده در حرارت ۵۰ درجه با توسط مواد کسید کننده غیر فعال می گردد .

در حرال خواب، بخصوص برای موجودات تکامل یافته يك امر ضروری بوده و بسا اینکه دانشمندان بسیاری در این مورد مطالعه و تحقیق نموده اند باز بصورت يك موضوع ناشناخته باقی مانده است .

در سال ۱۹۱۰-۱۹۱۱ «پهرون» و «لجندر» (۴) در مایع مغزی نخاعی سنگهائی که چند روز از خوابیدن آنها مانعت بعمل آمده بود ماده ای کشف کردند نام (هینو توکسین) (۵) که با تزریق آن در بدن چهارم سنگهائی که در حالات طبیعی بودند سرعت ایجاد خواب می نمود . در حالیکه تزریق مایع مغزی نخاعی حیوانات به یکدیگر ایجاد خواب نمی نمود .

Pieron and Legendre — 1
Hypnotoxin — 2

بیه از صفحه ۱۹

تویم چگونه مردم يك مستعمره میتواند از آزادی رای و بیان که خاص ملت های آزاد مستقل است استفاده کنند ؟

در پایان طومار سه تقاضا طرح شده بود :

۱- تشکیل مجلد مدارس عربی نژاد برای همه مملکت

۲- پذیرفتن افراد بسومی در شوراهای بلدی و بلدی با حق و صلاحیت مساوی با فرانسویان

۳- ما از آنجی که در نتیجه حذف محاکم خاص قضائی خودمان می بینیم آسوده کنید ما آرزو داریم قوانین اسلامی و آداب و رسوم ملی ما دوباره مستقر شود .

در مشرق الجزائر، طوماری با ۱۷۰۰ امضای بیه به پارلمان فرانسه تسلیم کردند .

پارلمان در صدد بود قانونی بگذراند که به اهالی الجزائر بر مبنای فرانسوی و در نتیجه حق انتخاب وکیل اعطاء نماید طومار می گوید بطرح شما به هیچ صورت آرزوهای ملی ما را بر آورده نمی کند، زیرا تابعیت فرانسه خود بخود شخصیت حقوقی و ملی ما را زائل و قوانین و موسسات قومی ما را باطل می کند، بعکس، مهم ترین آرزوی ما این است که ملیت و قوانین ما محفوظ و محترم بماند، ما میخواهیم مدارس ملی و تدریس زبان عربی و تأسیسات قضائی ما همچنان با برجا بماند .

به ما وعده کرده اید از حق انتخاب آزاد بهره مند